

مجموعه داستانهای فارسی: ۲۶

نثره به نثار گوهر افشان  
طرفه ز طرف دگر زرافشان  
حکیم نظامی گنجه‌یی

## نثره (مجموعه داستانهای کوتاه و خواندنی)

نویسنده: طاهر طالبی



نشر دستور

شماره شابک: ۷-۶۱-۶۷۲۷-۶۲۲-۹۷۸

سرشناسه:	طالبی، طاهر، ۱۳۲۴-
عنوان و نام پدیدآور:	نثره (مجموعه داستانهای کوتاه و خواندنی) / نویسنده طاهر طالبی.
مشخصات نشر:	مشهد: نشر دستور، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری:	۲۵۲ ص:؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
فروست:	مجموعه داستانهای فارسی؛ ۲۶.
شابک:	978-622-6727-61-7
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیبیا
موضوع:	داستانهای کوتاه فارسی -- قرن ۱۴
موضوع:	Short stories, Persian --20th century
رده‌بندی کنگره:	PIR ۸۳۵۲
رده‌بندی دیویی:	۸ فا ۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی:	۸۹۹۰۳۲۱
اطلاعات رکورد کتابشناسی:	فیبیا



### نشر دستور

- نثره (مجموعه داستانهای کوتاه و خواندنی)
- طاهر طالبی
- نوبت چاپ: اول ● پاییز ۱۴۰۱ ● قطع: رقعی (۲۵۲ صفحه)
- شمارگان: ۲۰۰ جلد ● قیمت: ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال
- واژه‌نگاری: مؤسسه تایپ و تکثیر بیژن (بخش اول)، نازنین برومند (بخش دوم)
- طرح جلد: فؤاد عبدی ● چاپ و صحافی: سپینتا
- شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۲۷-۶۱-۷
- حق چاپ محفوظ است
- نشانی مشهد، صندوق پستی ۱۳۸۸-۹۱۸۹۵ تلفن: ۰۹۱۵۳۱۴۸۲۷۷
- پیام‌نگار: dasturpress93@gmail.com ● نشانی وبگاه: dasturpress.com

## آنچه در این کتاب می‌خوانیم:

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۸	عزم حرکت به رزم
۱۱	پیشگفتار
۱۴	تقدیم‌نامه
۱۷	به نام یزدان پاک
۲۰	حکایت تالار پذیرایی در بیلاق شهر
۲۲	حکایت داروخانه‌یی که پزشک داشت
۲۵	حکایت بانگ بی‌وقت کی عافیت شود
۲۷	حکایت خانم نجوا لاشیدایی و شوهرش
۲۹	حکایت عروس پری پیکر و فری
۳۲	حکایت مرد نصرانی
۳۴	حکایت هشت سال دفاع مقدّس
۳۹	حکایت طعنۀ گل به گل
۴۱	حکایت جارو و جادو
۴۹	یادی از زادگاهم، شهر اردبیل

- ۶۱ ..... حکایت متهم فراری
- ۶۳ ..... حکایت هیوا با کد خدا
- ۶۶ ..... حکایت مایک بمپنو
- ۷۰ ..... حکایت قاچاق پرندگان
- ۷۱ ..... حکایات گوناگون از ویروس کرونای بدشگون
- ۷۴ ..... حکایت تک فرزندی
- ۷۷ ..... حکایت ستاره شامگاهی و صبحگاهی
- ۸۰ ..... حکایت دختر خوشگویی از زادگاه من
- ۸۶ ..... حکایت سفر به کره ماه
- ۹۱ ..... حکایت انتظار در حوایج
- ۹۶ ..... حکایت کثیف و لطیف
- ۱۰۱ ..... حکایت پسر عجیب و نجیب
- ۱۰۴ ..... حکایت پسر دانا و کانا
- ۱۰۸ ..... حکایت دبیر بناور
- ۱۱۳ ..... حکایت رئیس پاسگاه
- ۱۱۶ ..... حکایت ایثارگر
- ۱۱۸ ..... حکایت در زمان ویروس کرونا
- ۱۲۰ ..... حکایت چنگ مریم
- ۱۲۴ ..... حکایت پرستار محبوب و محجوب
- ۱۲۷ ..... حکایت سامانه ملی املاک و اسکان
- ۱۲۹ ..... حکایت پزشک مدافع سلامت

۱۳۲	.....	حکایت اردبیل در زمان ریزش بهار نارنج
۱۳۶	.....	حکایت زوجهای جوان نابارور
۱۳۸	.....	حکایت خانم فال‌بین
۱۴۰	.....	حکایت مادر من
۱۴۲	.....	حکایت سروری
۱۴۴	.....	حکایت هوشیاری مادر زن من
۱۴۷	.....	حکایت زر سارا
۱۴۹	.....	حکایت مادموازل مونیکا
۱۵۲	.....	حکایت سال‌گاو
۱۵۵	.....	حکایت دختر کدخدا
۱۵۸	.....	حکایت بیکاری علت هر ذلت است
۱۶۰	.....	حکایت دختر گل‌گونه
۱۶۳	.....	حکایت دختر طناز
۱۶۶	.....	حکایت هویج‌فرنگی
۱۶۹	.....	حکایت دختر روستایی
۱۷۰	.....	حکایت تاجر شکر
۱۷۳	.....	حکایت شیر بشیر و نصیر
۱۷۵	.....	حکایت میترا فرشته نگهبان راستی و عهد و پیمان
۱۷۹	.....	حکایت دنیا با دنیا
۱۸۲	.....	حکایت دو لب باروتی
۱۸۶	.....	حکایت مینا

۱۸۸	.....	لطفنه در زمان ویروس کرونا
۱۹۱	.....	حکایت پزشک حاذق و صادق
۱۹۲	.....	حکایت دنیای پُرعجایب و فریب
۱۹۴	.....	حکایت سه دختر مانند اختر
۱۹۶	.....	حکایت عروس مثل خروس
۲۰۰	.....	چند حکایت پر پند
۲۰۸	.....	حکایت مرد ثروتمند
۲۰۹	.....	حکایت مهندسان کشاورزی
۲۱۲	.....	حکایت عصای سفید
۲۱۳	.....	حکایت داماد ثروتمند
۲۱۳	.....	حکایت خواب دانش آموز
۲۱۴	.....	حکایت پسر جوان
۲۱۶	.....	حکایت شیر مادر
۲۱۷	.....	حکایت مهپاره دختر روستایی
۲۱۹	.....	حکایت داماد و دغدغه معیشت
۲۲۰	.....	حکایت مادرزن دانا با دختر برنا
۲۲۲	.....	حکایت چهارنفر پیردختر
۲۲۴	.....	حکایت مدیران با انصاف و با شرف
۲۲۷	.....	وصف شهر اردبیل
۲۳۱	.....	حکایت شب یلدا (سال ۱۴۰۰ سال گاو)
۲۳۶	.....	حکایت نیوشا با بوی افاقیا

۲۳۹	.....	حکایت تازه داماد مُدبِر با پزشک مُدبِر
۲۴۱	.....	حکایت عصر حجر
۲۴۴	.....	حکایت شوهر مگّار و بیعار باشرف
۲۴۷	.....	حکایت حسنا
۲۵۰	.....	فهرست منابع و مآخذ

### عزم حرکت به رزم

به نام خدا ای کاش محبت داماد و عروس از اقامت عقد تا قیامت نقد شود  
جدا، محنت و نسیه نشود.

به جهان خرم از آنم که جهان خرم ازوست

عاشقم بر همه عالم، که همه عالم ازوست<sup>۱</sup>  
از آغاز جنگ تحمیلی با آواز طبل رزم با دوستان نظامی لباسی به رنگ  
خاکی به پاکی اشک اطفال معصوم در گهواره روز عقد نگار یاد باد معلوم به  
بزم گوشواره از گوش آویزان تبسم و نسیم موی او پیوند و شمیم صمیم من بود  
و با تبسم بسیار گوارا. در پگاه با نگاه به رجال بر منوال آن حال، خال، قال و  
فال به شهر سرپل ذهاب رسیدیم من در میان دلبران در تربت غربت غریب بودم  
بسیار کربت شبها زیر آسمان با ستارگان صحبت با محبت داشتم صورت  
معشوق را می دیدم با سیرت محبوب و محبوب سینه پر از استقامت از خون  
مستور اقامت در حجرالاسود دیده ایشان منظور و منصور. با این همه غمها میان  
ما جدایی نبود چون عاشق خاک وطن بودیم با حالت شیدایی با مقاتلت سودایی  
و وفایی. آسمان را از هامون شهدای مبارک نثار بود از آسمان به زمین عیار  
تبرک آنها برای دلبران جان نثار.

شفای عاجل و دوای آجل. آنگاه دانستیم، جماعت شهدا در کمال عقل با اهل ادبا یکسانند و با علما همسانند با جمال یوسف هم نشانند. با مروّت و فتوّت و راد هم مقیاسند. شهدا مانند انبیا رقعۀ شریف دارند چون اولیا بقعۀ نظیف و بر بالای منبر متّکی و از خلاف اهل بدعت و عّلاف، از شیطان رجیم و سلطان رحیم مشتکی:

درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد

نهال دشمنی برکن که رنج بی شمار آرد<sup>۱</sup>  
چون شبی به ستارگان نگاه کردم در حریم طرفه<sup>۲</sup> در حضور شهدا نوری یافتم پر از پری و حوری در هر وجبی دلیرانی و در هر غرفه‌ای طُرفه‌ای و در هر قدمی نگاری با آموزگاری با سازگاری مشاهده کردم سازگار شدم با اشارت بشارت دادند اسم کتاب را «نثره»<sup>۳</sup> بنویس این سخن را نیکوگفتی و این دُرّ را لطیف و ظریف سُنّتی. قبول کردم چون به مقصد معقول اصل رسیدم نسل خود را دیدم پس از یک نفس عمیق در قفس یکی از اخوان صفا از اصحاب وفا پرسید.

سود موقوفات را به جیب کدام حبیب می‌ریزند نغمه از نجبا آمد پای خود را روغن بنفشه بمالی قدم رنجه در جستجوی باید نهاد زبان و بیان ملیح و فصیح در گفتگوی.

۱- دیوان حافظ ص ۷۰.

۲- طرفه: اسم (عربی) (طرف) (نجوم) منزل نهم از منازل قمر پس از نثره.

۳- نثره: اسم (عربی) (نجوم) منزل هشتم از منازل قمر مشتمل بر دو ستاره از برج سرطان.

نثره به نثار گوهر افشان      طُرفه ز طَرفِ دگر زرافشان<sup>۱</sup>  
 ای مرغ سلیمان نثره هنگام خزان مانند قوس و قزح زرگری کند بهاران  
 رنگرزی طَرفه عاشق را دباغی کند زلفک معشوق را صباغی. حلقهٔ دوستان ندیم  
 را آراسته‌تر از بوستان کند صورت عروسان قدیم را پیراسته‌تر از نارنجستان.  
 چون عدم در آن نیست قدم را در آن جمع با شکوه و شمع به انبوه استوار کردم  
 شانه به سر چون شهاب بدوید و چون عقاب بسوی سبا پیرید تا صفا آرد.  
 مژده ای دل که دگر باد صبا باز آمد  
 هدهد<sup>۲</sup> خوش خبر از طرف سبا باز آمد<sup>۳</sup>

۱- حکیم نظامی گنجه‌ای (۴۶۱-۳) فرهنگ فارسی عمید ص ۷۹۷.  
 ۲- هدهد پیغام سلیمان را به بلقیس پادشاه شهر سبا می‌رسانید، سبا بر وزن هوا نام شهر بلقیس در  
 یمن بوده است.  
 ۳- دیوان حافظ ص ۱۱۰.